گزارش

بررسی «آرمان ملی» از زوایای متفاوت
«تحریم و تهاتر»:

ماجرای تهاتر کالا با نفت، به «چای» رسید!

آرمان ملی- امید کاجیان: یک خبر که بعد از شنیدنش خیلی‌ها از تعجب شاخ درآوردند و یا با افسوس، آن را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کردند. خبر این بود: تهاتر نفت با چای. آن‌هم چای سریلانکا. خبری که فرهاد نوری معاون سازمان تجارت در گفت‌وگویی با مهر آن را اعلام کرد. او گفته است تهاتر نفت ایران در برابر چای سریلانکا فعال شده است. وی تاکید کرد: مقرر شد در مقابل صادراتی که در حوزه مواد نفتی به سریلانکا داشته‌ایم، چای وارد کنیم. اما داستان نفت در برابر کالا برای ایران موضوع تازه‌ای نیست، همان‌طور که داستان نفت در برابر چای سریلانکا. این موضوع از سال‌ها قبل به‌عنوان پیشنهادی چهارسال‌ از سوی طرف مقابل مطرح می‌شد اما از قرار، حالا به مرحله اجرا درآمده و در میان نگرانی افکارعمومی برخی با افتخار به‌عنوان یک راه‌حل هم از آن یاد می‌کنند. مسأله‌ای که البته با توجه به برخی از سیاست‌های پیشین نوعی تناقض و یک بام و دو هواست. نگاهی به سرنوشت اقتصاد ایران در این دو سه ساله سردرگمی و البته تصمیمات غیر اصولی را در این امر به خوبی هویدا می‌سازد.

مگر چای محصول داخلی نیست؟

مدت‌هاست ایران به دلیل تحریم‌های بین‌المللی نتوانسته به منابع مالی خارجی خود دست پیدا کند و از طرف کشورهای مختلف که بابت واردات نفت از ایران بدهکار هستند هم نتوانسته‌اند بدهی خود را پرداخت کنند. ظاهرا پیگیری‌های مختلف دیپلماتیک و غیر دیپلماتیک وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف هم نتوانسته راه به جایی ببرد. در این میان اما گزینه‌های دیگری نیز از سوی کشورهای بدهکار پیشنهاد شده که یکی از آنها تهاتر محصولات آنها با نفت است. تقریبا می‌توان گفت از زمان تشدید تحریم‌ها و بعد از نیپوستن ایران به مقررات گروه ویژه اقدام مالی موسوم به FATF به علت از کار افتادن سیستم سوئیفت و سایر مبادلات بانکی بین‌المللی بخش زیادی از واردات کشور به همین شیوه انجام شده است. به‌عنوان مثال در فروردین امسال حریری، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین با اشاره به اینکه تمام درها مد نظر را تهاتر کردیم اعلام کرد: «هم‌ارای نفت با فرآورده‌هایی که دولت به این کشور صادر می‌کرد، کالا وارد می‌کردیم. البته از آنجایی که تمامی کالایی که در این کشور تولید و عرضه می‌شود، بازار مصرف در ایران دارد، دریافت کالا به جای پول در این سال‌ها مشکلی برای کشور ایجاد نکرد. در حالی که ایران شرایط برای کشوری همچون هند نمی‌تواند صدق کند، چراکه بسیاری از تولیداتی که هند دارد در داخل کشور هم تولید می‌شود و عملا امکان تهاتر کالا با نفت برای هند وجود ندارد.» البته به‌طور مشخص اعلام نشده چه کالاهایی در چین تولید می‌شود که امکان تولید آن در ایران وجود ندارد که احتمالا دسته بیل هم جزئی از این اقلام است! یکی دیگر از این کشورها کره‌جنوبی است که مبلغی حدود ۷ تا ۹ میلیارد دلار به ایران بدهکار است و بارها پیشنهاد تهاتر این مبلغ را با خودرو، لوازم خانگی، گوشی تلفن همراه و... داده که به هر ترتیب و به دلیل حمایت از تولید داخل رد شده است. اما آنچه اخیرا دوباره بر سر زبان‌ها افتاده ماجرای پیشنهاد سریلانکا برای تهاتر بدهی نفتی خود با چای است که تقریبا از تابستان ۱۳۹۷ مطرح بوده است. آن زمان این کشور خواستار تهاتر ۲۵۰ میلیون دلار بدهی نفتی با چای شده بود که اخیرا مقول سازمان توسعه تجارت به نقل از مهر بابیان اینکه تهاتر کالا یکی از راه‌های تجارت است، اظهار کرد: با توجه به اینکه چای ایرانی درصد کمی از سبد مصرفی خانوارهای کشور را پوشش می‌دهد و از طرف دیگر نیز ما جزء مصرف‌کنندگان عمده چای در دنیا هستیم و سالانه چندین میلیون دلار برای واردات این محصول هزینه می‌کنیم، مفرر شد در مقابل صادراتی که در حوزه مواد نفتی به سریلانکا داشته‌ایم، چای وارد کنیم.» موضوعی که شاید این پرسش را ایجاد کند که مگر چای چه چیز محصولات داخلی نیست؟ با نگاهی به تاریخچه چایکاری در ایران مشخص می‌شود که کشت این محصول در ایران از ۱۲۰ سال قبل رواج داشته و در حال حاضر معیشت حدود ۵۵ تا ۶۰ هزار خانوار در ایران به کشت چای گره خورده است.

با سازمان تبلیغات اسلامی تا چای کنیا

از سوی دیگر واردات بی‌رویه این محصول در سال‌های قبل سبب شده تا ضمن بیکاری این گروه از کشاورزان، باغات چای نیز به ویلا تبدیل شود، چراکه پولی که از فروش ویلا عاید چایکار می‌شود، چندین برابر سود سالانه کشت چای است تا جایی که به گفته صادق حسنی مدیر اجرایی سندیکای چای کشور ۵۰ درصد باغات چای در طول این سال‌ها به ویلا تبدیل شده است. شاید عمق فاجعه را بتوان در مدیریت این حوزه به‌ویژه در مبادلات تجاری مشاهده کرد جایی که به گفتی حسنی «در پنج ماه نخست سال جاری حدود ۱۰ هزار تن چای کیلویی ۹۷ سنت، یعنی زیر یک دلار صادر و از سوی روسیه در حدود ۳۳ هزار و ۴۲۷ تن چای از ۲۴ کشور کیلویی ۵ دلار وارد کردیم»! نکته حائز اهمیت این است که وی اخیرا در گفت‌وگویی با ایلنا از مداخلات سازمان تبلیغات در صنعت چای ایران پرده برداشته و اعلام نموده این سازمان سال‌ها قبل با خرید یک واحد بسته‌بندی و فراوری چای وارد این صنعت شد اما به دلیل عدم بهره‌گیری از کارشناسان طرح آنها با شکست مواجه شد. اما این پایان ماجرا نیست چراکه وی در ادامه بیان می‌کند بعد از واگذاری‌های متعدد، این واحد اکنون دراختیار کنیایی‌ها قرار گرفته که با هیاتی به سرپرستی یکی از استانداران کنیا به لاهیجان آمده‌اند و طبق شنیده‌ها با خود حدود هشتاد تن چای وارد کرده‌اند که البته اگر این اتفاق برای صنایع دیگری همچون خودرو و یا لوازم خانگی می‌افتاد قطعا عده‌ای فریاد «اصمصینا سر می‌دادند! اما اینجا صرفا سکوت! بعید نیست کنیایی‌ها هم قصد داشته باشند از این نبوغ تجاری استفاده کنند و چه بسا چای لاهیجان را متلا با قیمت یک دلار بخرند و در ایران با قیمت ۵ دلار به خودمان بفروشند و یا حتی در ازای آن نفت بخرند!

قاسم محبعلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت رئیسی فهمید باید برجام را جدی بگیرد

تغییر رفتار دولت رئیسی درباره مذاکرات به‌دلیل درک واقعیت‌هاست

در آینده درباره برجام جدید مذاکره خواهد شد

تغییر تیم مذاکره‌کننده چالش ایجاد خواهد کرد

اسرائیل به نقش تخریبی در مذاکرات ادامه خواهد داد

تحولات خاورمیانه به مذاکرات گره خورده است

می‌توان نسبت به احیای برجام امیدوار بود

آرمان ملی- احسان انصاری: با سفر اتریکه مورد معاون مسئول سیاست خارجی گمانه‌زنی‌ها برای احیای برجام به صورت جدی‌تری مورد توجه طرفین قرار گرفته است. از سوی دیگر در روزهای اخیر فعالیت دولت رئیسی درباره برجام و مذاکرات هسته‌ای تحرک بیشتری پیدا کرده و براساس اظهارات سخنگوی وزارت امور خارجه در آینده نزدیک می‌توان تاریخ دقیق مذاکرات هسته‌ای را مشخص کرد. این در حالی است که تحولات خاورمیانه و از جمله مذاکرات ایران و عربستان که به موضوع برجام ارتباط دارد نیز در جریان است. «آرمان ملی» برای بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی مذاکرات هسته‌ای با قاسم محبعلی تحلیل گر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. محبعلی معتقد است: «قبل از انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن کشور در وضعیت خاص و خطیری قرار گرفته بود و به همین دلیل دولت جدید که روی کار آمد هنوز با واقعیت‌های مدیریت کشور آشنا نبود و شاید گمان می‌کرد در راه‌حل‌های دیگری نیز به جز برجام و مذاکره وجود دارد. با این وجود هر چه بیشتر از عمر دولت گذشت و واقعیت‌ها بیشتر برای دولتمردان آشکار شد درنهایت به این نتیجه رسیدند که راه‌حل دیگری به جز برجام وجود ندارد و بهتر است در این مسیر حرکت کنند. امروز دولت رئیسی به این نتیجه رسیده که به نتیجه رسیدن مذاکرات و احیای برجام می‌تواند بخشی از مشکلات کشور را حل کند و به اقتصاد و معیشت مردم کمک کند. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

سفر معاون مسئولیت سیاست خارجی اتحادیه اروپا به تهران در راستای زمینه‌سازی برای احیای برجام بود. به چه میزان این سفر در بسترسازی برای مذاکرات احتمالی آینده مؤثر بود؟

این سفر تلاشی برای احیای برجام از سوی کشورهای غربی بود که با رایزنی‌هایی که صورت گرفت مقامات ایران نیز نسبت به گذشته تمایل بیشتری به مذاکره از خود نشان دادند. به نظر می‌رسد اینکه مذاکرات هسته‌ای به‌زودی آغاز خواهد شد قابل پیش‌بینی است و این اتفاق در آینده رخ خواهد داد. با این‌وجود نکته مهم این است که روند مذاکرات در چه مسیری قرار خواهد گرفت و دو طرف چگونه تلاش خواهند کرد مواضع خود را به هم نزدیک کنند تا بتوان نسبت به یک توافق در آینده خوش‌بین بود.

در شرایط کنونی روی این موضوع که ایران باید به برجام بازگردد و در مسیر گفت‌وگو قرار داشته باشد در کشور اجماع وجود دارد. این اجماع هم در دولت سیزدهم وجود دارد و هم در نهادهای بالاتر نظام. با این‌وجود اینکه رئیسی قصد دارد با افراد و ابزارهایی در مذاکرات حضور پیدا کند دارای اهمیت است. اگر از افرادی در مذاکرات استفاده شود که دارای تجربه کافی در این زمینه هستند این انتظار می‌رود که شرایط مذاکرات به سمت مثبت شدن حرکت کند. در غیر این صورت نمی‌توان نسبت به اینکه مذاکرات خوشبین بود. در شرایط کنونی تنها دو سال از عمر برجام بیشتر باقی نمانده و به همین دلیل اگر کشور قرار است توافق جدیدی صورت بگیرد باید با رویکردی وارد مذاکرات شد که اطمینان‌بخش باشد و بتواند طرفین مذاکره را به احیای برجام امیدوار کند.

> برجامی که در سال ۲۰۱۵ مورد توافق طرفین قرار گرفت به مدت هشت سال بود و به‌صورت طبیعی در سال ۲۰۲۳ پایان می‌پذیرد. این احتمال وجود دارد که در مذاکراتی که در آینده صورت می‌گیرد درباره آینده برجام نیز مذاکره شود

در روزهای گذشته تحرک وزارت خارجه در زمینه مذاکرات هسته‌ای بیشتر از گذشته شده و بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت خارجه در آینده‌ای نزدیک می‌توان به یک تاریخ دقیق برای آغاز مذاکرات رسید. چرا در شرایط کنونی دولت تصمیم گرفته فعالیت‌های خود را در زمینه مذاکرات بیشتر کند؟

قبل از انتخابات ریاست جمهوری و پس‌از آن کشور در وضعیت خاص و خطیری قرار گرفته بود و به همین دلیل دولت جدید که روی کار آمد هنوز با واقعیت‌های مدیریت کشور آشنا نبود و شاید گمان می‌کردند راه‌حل‌های دیگری به جز برجام و مذاکره وجود دارد. با این‌وجود هر چه بیشتر از عمر دولت گذشت و واقعیت‌ها بیشتر برای دولتمردان آشکار شد درنهایت به این نتیجه رسیدند که راه‌حل دیگری به جز برجام وجود ندارد و بهتر است در این مسیر حرکت کنند. امروز دولت رئیسی به این نتیجه رسیده که به نتیجه رسیدن مذاکرات و احیای برجام می‌تواند بخشی از مشکلات کشور را حل کند و به اقتصاد و معیشت مردم کمک کند.

این در حالی است که در ابتدایی که دولت شکل گرفت به دلیل اینکه اغلب اعضای دولت سیزدهم ازجمله مخالفان و منتقدان برجام بودند چنین تصوری نداشتند. رئیسی به این نتیجه رسیده که با برجام می‌تواند از بخش‌های مهمی از چالش‌ها برای مذاکرات کشور عبور کند و در فضایی حرکت کند که بیشتر فرصت پیش روی دولت خواهد بود. البته هنوز به‌صورت دقیق درباره آینده مذاکرات تصمیم‌گیری نشده اما آنچه از شواهد و قرائن مشاهده می‌شود این است که در رویکرد دولت نسبت به مذاکرات یک تغییر رویه به وجود آمده است. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که طرف مقابل نیز همواره عنوان می‌کند فرصت مذاکرات نامحدود نیست و بلکه ممکن است تصمیم‌های جدیدی درباره پرونده هسته‌ای ایران گرفته شود.

امیر عبداللهیان عنوان می‌کند ما به دنبال مذاکره برای مذاکره نیستیم و قرار نیست با طرف مقابل قهوه بخوریم. آیا این رویکرد در مذاکرات به نتیجه خواهد رسید؟ آیا طرف مقابل در برابر خواسته‌های ایران مواضع خود را تغییر می‌دهد؟ به چه میزان این احتمال وجود دارد که دولت رئیسی نیز در مسیری در مذاکرات حرکت کند که دولت روحانی حرکت می‌کرد؟

بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت خارجی دولت رئیسی به دنبال این است که در مسیری حرکت کند که بر اساس برجام سال ۲۰۱۵ باشد و مذاکرات را از نقطه‌ای آغاز کند که در دولت روحانی متوقف شد. این دیدگاه زیاد دقیق نیست و مذاکره دارای تعریف و مشخصات خاصی است. نمی‌توان انتظار داشت مذاکرات هسته‌ای به شکلی برگزار شود که طرفین تنها باهم گفت‌وگو کنند و وقت یکدیگر را تلف کنند. به‌هرحال هر مذاکره‌ای باید به یک نتیجه برسد. ممکن است این نتیجه مثبت باشد و یا منفی. هر نتیجه‌ای نیز که در مذاکرات اتفاق بیفتد آثار میدانی به همراه خواهد داشت. یکی از چالش‌های اصلی مذاکرات این بود که ایران خواستار لغو همه تحریم‌های بین‌المللی بود. این در حالی است که از ابتدای طرح این درخواست مشخص بود که طرف آمریکایی حاضر به پذیرش این درخواست نیست و در عمل نیز چنین اتفاقی رخ داد. همه تحریم‌های ایران به دلیل پرونده هسته‌ای نیست و بلکه به مسائل دیگر ارتباط دارد. به همین دلیل اگر قرار است همه تحریم‌ها برداشته شود باید درباره مذاکره با ایران را از آغاز کنند. ایران مشکلات پرونده هسته‌ای و برجام را قبول داشت و به همین دلیل حاضر به مذاکره شد. درنتیجه اگر قرار است مشکلات دیگر نیز مرتفع شود باید درباره آن مذاکره صورت بگیرد. اگر انتظار داریم سایر تحریم‌ها برداشته شود به‌صورت طبیعی باید درباره آنها مذاکره کنیم. کسانی که عنوان می‌کنند طرف مقابل در ابتدا باید همه تحریم‌ها را بردارد تا پس از آن مذاکره صورت بگیرد خوش‌بینانه و غیرواقعی به موضوع نگاه می‌کنند. بدون تردید طرف مقابل چنین شرایطی را نخواهد پذیرفت. این نپذیرفتن نیز نیز را از بین می‌برد و درنتیجه هزینه‌هایی که ایران باید در آینده پرداخت کند بیشتر می‌شود. از سوی دیگر مشکلات اقتصادی حل نمی‌شود و بلکه ممکن است شدت بیشتری نیز پیدا کند.

به نظر می‌رسد تغییر در گروه مذاکره‌کننده ایران قطعی خواهد بود و به‌احتمال زیاد باقری کنی مسئول تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای خواهد بود. تغییر تیم مذاکرات چه تأثیری در روند مذاکرات خواهد داشت؟

یکی از چالش‌های مذاکرات آینده تغییر تیم مذاکره‌کننده خواهد بود که می‌تواند در مسیر مذاکرات گذشته تغییر ایجاد کند. از یک‌طرف حضور افراد جدیدی در کیفیت مذاکره تأثیر منفی خواهد گذاشت. به‌هرحال افراد جدید از مشی فکری متفاوتی نسبت به گروه قبلی برخوردار هستند و از جزئیات و نحوه مذاکره تیم قبلی نیز اطلاع دقیق ندارند. ممکن است در مذاکرات قبلی سخنانی بین طرفین ردوبدل شده که تیم جدید از آن اطلاع نداشته باشد. به همین دلیل عدم اطلاع دقیق تیم مذاکره‌کننده جدید از محتوای مذاکرات گذشته یکی از چالش‌های مذاکرات آینده خواهد بود. از سوی دیگر تیم مذاکره‌کننده جدید اغلب از مخالفان و منتقدان برجام بوده‌اند و با همین مشی فکری در مذاکره حضور پیدا خواهند کرد. اتفاقی که می‌تواند پیچیدگی‌های مذاکرات آینده را بیشتر کند و گره‌ها را افزایش بدهد. به‌هرحال افرادی که با یک موضوع مخالف بوده‌اند ممکن است از انگیزه کافی برای مذاکره برخوردار نباشند. این در حالی است که طرف مقابل از انسجام برخوردار هستند و مذاکره‌کنندگان آمریکایی و اروپایی تجربه بسیار زیادی در مذاکرات گذشته به دست آورده‌اند و یک وحدت رویه در تصمیم‌گیرها برخوردار هستند. تیم مذاکره‌کننده ایران فاقد چنین تجربه‌ای است و اگر ترکیب تیم تغییر کند ممکن است درنهایت تصمیماتی در مذاکرات گرفته شود که به ضرر ایران تمام شود.

> ممکن است در مذاکرات قبلی سخنانی بین طرفین ردوبدل شده که تیم جدید از آن اطلاع نداشته باشد. به‌همین دلیل عدم اطلاع دقیق تیم مذاکره‌کننده جدید از محتوای مذاکرات گذشته یکی از چالش‌های مذاکرات آینده خواهد بود

روبکرد دولت رئیسی بیشتر مبتنی بر روابط با کشورهای شرق بوده است. آیا این رویکرد سبب کاهش انگیزه برای مذاکرات هسته‌ای با کشورهای غربی نخواهد شد؟

یکی از ظرفیت‌هایی که دولت رئیسی ازنظر اقتصادی می‌تواند روی آن حساب کند ارتباط با کشورهای شرق و ازجمله چین و روسیه است. این رویکرد می‌تواند دستاوردهایی برای ایران داشته باشد و در برخی زمینه‌ها به کمک دولت بیاید اما نمی‌تواند در مذاکرات هسته‌ای تأثیرگذار باشد. به‌هرحال مذاکرات هسته‌ای شرایط خود را دارد و بر سر موضوعی است که دهه‌ها سال است که ایران درگیر بوده است. این نکته را نیز نباید فراموش کنیم که چین و روسیه به‌عنوان دو عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در شش قطعنامه‌ای که از سوی سازمان ملل علیه ایران صادر شد اقدام مؤثری به سود ایران انجام ندادند. به همین دلیل نمی‌توان انتظار داشت در مذاکرات آینده نیز به شکلی رفتار کنند که اهداف ایران در مذاکرات محقق شود. چین از مراودات اقتصادی زیادی با آمریکا برخوردار است و به همین دلیل ترجیح می‌دهد مراودات اقتصادی خود را آمریکا که سود بیشتری برای آنها دارد را حفظ کنند. به همان صورت که تاکنون این ارتباط تأثیر زیادی بر اقتصاد ایران نداشته این اتفاق نیز از آینده نیز رخ خواهد داد و نمی‌توان انتظاری بیش از این داشت. اگر شرایطی پیش بیاید که مذاکرات به نتیجه برسد و تحریم‌های ایران برداشته شود این احتمال وجود دارد که مراودات اقتصادی ایران با چین و روسیه نیز افزایش داشته باشد و به سود ایران تمام شد. در غیر این صورت یک رابطه یک‌طرفه بین ایران و چین و روسیه وجود دارد و آنها از ایران بهره‌برداری می‌کنند و از برگه ایران در مقابل غرب استفاده می‌کنند.

پس از به قدرت رسیدن بنت در اسرائیل و دیدارهایی که وی با یایر لاپید داشته همواره موضوع هسته‌ای ایران مورد نظر روی بوده است. فعالیت‌های اسرائیل نسبت به پرونده هسته‌ای ایران بیشتر از گذشته شده است. آیا اسرائیل می‌تواند در نتیجه مذاکرات هسته‌ای تأثیر منفی بگذارد؟

بین دیدگاه‌های بنت و نتانیاهو تفاوت‌هایی وجود دارد. با این‌وجود اسرائیل نقش تخریبی در مذاکرات هسته‌ای دارد و علاقه‌مند نیست که بین ایران و کشورهای اروپایی و آمریکا رابطه مثبت ایجاد شود. اسرائیل این رویکرد را در رابطه ایران و عربستان نیز به کار گرفته و همه تلاش خود را انجام می‌دهد که رابطه ایران و عربستان بهبود پیدا نکند.

در چنین شرایطی ایران باید این نکته را در نظر داشته باشد که امنیت اسرائیل در خاورمیانه برای آمریکا از اهمیت کلیدی برخوردار است. در گذشته اولویت اصلی آمریکا در خاورمیانه موضوع نفت و انرژی بود. این در حالی است که با رویکردی که دولت بایدن اتخاذ کرده در شرایط کنونی مهم‌ترین اولویت آمریکا حفظ امنیت اسرائیل است. به همین دلیل ایران باید مراقب این موضوع باشد که اسرائیل تحولاتی که در خاورمیانه رخ می‌دهد به سود خود استفاده نکند.

وزیر خارجه خواستار نشان دادن حسن نیت از سوی آمریکا شده و عنوان کرده آمریکا برای نشان دادن حسن نیت خود بخشی از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران را آزاد کند. آیا استفاده از چنین رویکردهایی می‌تواند مواضع دو کشور را به هم نزدیک کند؟

مذاکرات به معنای بده و بستان است و یک‌طرف نیست که در این زمینه به‌تنهایی اقدام کند مگر اینکه طرف مقابل نیز اقدام متقابلی انجام بدهد. ما باید منتظر باشیم که در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد. آنچه مشخص است این است که در مذاکرات آینده طرفین به سمت احیای برجام۲۰۱۵ حرکت خواهند کرد. هدف نیز برداشته شدن تحریم‌های مرتبط با برجام شاید تحریم‌های دیگری باشد که در زمینه‌های دیگر علیه ایران صورت گرفته است. اینکه برخی در ایران به دنبال برداشته شدن همه تحریم‌ها باشد انتظار واقعی نیست و عملی نخواهد شد و ممکن است به شکست مذاکرات منجر شود. برجامی که در سال ۲۰۱۵ مورد توافق طرفین قرار گرفت به مدت هشت سال بود و به‌صورت طبیعی در سال ۲۰۲۳ پایان می‌پذیرد. به همین دلیل این احتمال وجود دارد که در مذاکراتی که در آینده صورت می‌گیرد درباره آینده برجام نیز مذاکره شود. به همین دلیل باید منتظر ماند که در روند مذاکرات چه اتفاقی رخ می‌دهد و از سوی دیگر تحولات خاورمیانه به چه سمتی حرکت می‌کند. این دو موضوع از جنبه‌هایی زیادی به هم مرتبط است.

تهدید دیپلماتیک ایران در روزهای اخیر با چه هدفی در دستور کار قرار گرفته و آیا در میدان نیز محقق خواهد شد؟

رژیم صهیونیستی از گذشته بارها و بارها ایران را تهدید کرده است. باید توجه داشت که مذاکرات احیای برجام بازیگران مهم‌تری دارد و به همین علت اسرائیل نمی‌تواند وارد این عرصه شود. از زمان بارک اوباما، اسرائیل یک رویه‌ای را اعلام کرده تا به هر شکل ممکن پای آمریکا را به یک منازعه با ایران باز کند اما همواره در این عرصه ناموفق ظاهر شده است. در آن برهه زمانی خانم کلینتون وزیر خارجه ایالات متحده بود و در گفت و گوی رسانه‌ای معروفی که در آن برهه زمانی داشت تعریف‌های زیادی از توانمندی‌های اسرائیل کرد اما در پایان گفت که نباید مرتکب یک اشتباه بزرگ شد که منظور او از اشتباه بزرگ درگیر کردن آمریکا و ایران بود و عملا اسرائیل را تهدید کرد که نباید به سمتی حرکت کند که ایران و امریکا را وارد جنگ کند. اسرائیل در هر مقطعی تلاش کرده که این اقدام را انجام دهد اما آمریکا نیز به آن تن نداده است. در نگاهی عمیق تر باید امروز مشاهده کرد که اصلا زمینه درگیر شدن با دولت جدید در۲۰۲۱ اسرائیل امروز احساس می‌کند که ایران محاصره شده است. به این شکل که از جنوب کشورهای عربی فشار وارد می‌کنند، از شرق افغانستان فشار وارد می‌شود و از شمال نیز دولت باکو و ترکیه با ایران درگیر خواهند شد و به خیال خود تصور می‌کند می‌تواند کار ایران را تمام کند. اسرائیل یک استدلال فرامنطقی نیز دارد و به این نتیجه رسیده است که امروز آمریکا و اروپا نسبت به زمان ترامپ به یکدیگر نزدیک شده‌اند و امروز اروپا بر خلاف سال‌های قبل احتمالا از آمریکا جدا خواهد کرد. در زمان ترامپ، اسرائیل تصور می‌کرد بهترین فرصت برای حمله به ایران است اما تنها حتی در عرصه سیاسی نیز نتوانستند ایران را محکوم کنند و به‌رغم تمام تدارکاتی که فراهم کرده بودند دو مرتبه در نهادهای بین المللی تنها ماندند و به جز دومینیکن هیچ کشوری علیه ایران رای نداد. امروز تصور می‌کنند که اروپا همراه خواهد شد و به همین علت تحرکات دیپلماتک زیادی دارند. از سوی دیگر اسرائیل تصور می کند که ایران در انتخابات عراق شکست خورده و از سوی دیگر تحرکات روسیه در سوریه با مخالف آن چیزی می‌بیند که ایران می‌خواهد و احساس می‌کند که ایران تنها نشده و به همین علت قصد دارد تا ایران را در تنگنای بیشتر قرار دهد.

> باید توجه داشت که همین فرد انیز روابط ایران و عربستان خوب نمی‌شود و زمان زیادی می‌برد تا روابط ترمیم شود. این یک پروسه بلندمدت است که امروز در ابتدای آن قرار داریم و مشخصا ایران و عربستان کره‌های زیادی در روابط خود دارند که مشخصا حل کردن هر کدام از آنها زمان زیادی می‌برد

اسرائیل خود نیز به خوبی می‌داند که به تنهایی در حد و اندازه ایران نیست تا وارد جنگ مستقیم با ایران شود. اسرائیل می‌خواهد تیر اول را به گونه‌ای شلیک کند که پای آمریکا و اروپا نیز به جدال با ایران باز شود. به خصوص رژیم صهیونیستی نقشه دارد که اروپا را در مقابل ایران قرار دهد. آن‌ها می‌خواهند این بار از طریق اروپا پرونده ایران را به شورای امنیت ببرند و همه کشورهای جهان را به‌واسطه قطعنامه سازمان ملل در مقابل ایران قرار دهد. آنها می‌خواهند ایران را به سمت فصل هفتم منشور سازمان ملل سوق دهند. اسرائیل به شدت به دنبال این مساله است.

غربی‌ها که خود تعلل زیادی در مذاکرات داشته‌اند به چه علت امروز سراسیمه به دنبال از سرگیری مذاکرات هستند؟

آنها هراس دارند که ایران برای خود در این مدت اهرم‌های جدیدی ایجاد کند و دست برتر را در مذاکرات احیای برجام داشته باشد. آنها از غنی سازی بیشتر اورانیوم توسط ایران می ترسند و تصور می کنند که ایران از این طریق امتیاز بیشتری از آنها در مذاکرات وین خواهد گرفت.

بازی سیاسی آنها معطوف به تهدیدهای اسرائیل و اولتیماتوم‌های آمریکا نیست و مکرر موضوع عدم اجازه ایران به بازدید ازاس از یک یا دو مرکز خاص را بر زگمایی می کنند. غربی‌ها بر این باور هستند که هرچه زودتر مذاکره با ایران را از آغاز کنند، می‌توانند امتیازات بیشتری از ایران گرفته و سریع تر حرف را از سختی‌های بیشتر خلاص کنند.

رویه‌ای که ایران در خصوص مذاکرات احیای برجام در پیش گرفته است می‌تواند به موفقیت ختم شود؟

دولت سیزدهم هنوز به نظر می‌رسد که طرح روشنی ندارد. دولت به دنبال خریدن وقت است به این علت که می‌خواهد سیاست‌های خود را روشن کند و یک برنامه برای ورود به مذاکرات داشته باشد. نکته دیگر این است که دولت سیزدهم تلاش می‌کند تا بدون نگاه به مذاکره فشارهای غربی‌ها را از روی سر خود رد کند. از سوی دیگر دولت سیزدهم بی‌میلی نامحسوسی نیز به مذاکرات نشان می‌دهد تا در پشت میز مذاکره متحمل فشار نشود. دولت سیزدهم می‌خواهد شرایط بهتر سیاسی و اقتصادی ایجاد کند تا در مذاکرات راحت‌تر امتیاز بگیرد. از سوی دیگر غربی‌ها عنوان می‌کنند که مذاکرات از آن جایی که در دور ششم قطع شده است باید پیگیری کرد. دولت سیزدهم در گفته‌های خود گفته است که معیارها در مذاکرات تغییر می‌کند و دقیقا همچون گذشته مذاکره نخواهد شد. منظور دولت سیزدهم این است که تحریم‌ها باید برداشته شود و یک مهلت پس از آن تعیین شود تا مشخص شود که در عمل نیز تحریم‌ها لغو شده و بعد ایران به تعهدات هسته‌ای خود عمل خواهد کرد. این طرحی است که به نظر می‌رسد دولت سیزدهم در دستور کار قرار داده است. این را می‌توان از زبان مسئولان وزارت خارجه دولت سیزدهم شنید. به نظر می‌رسد مسئولیت مذاکره نیز کماکان در اختیار وزارت خارجه باقی خواهد ماند و این وظیفه به شورای عالی امنیت ملی سپرده نمی‌شود. مسئول مذاکره کننده نیز به احتمال زیاد علی باقری کنی معاون وزیر خارجه است. ایران موارد جدیدی در مذاکرات وین می‌خواهد که دولت دوازدهم به دنبال آنها نبود. تهدیدهای امروز غربی‌ها و اسرائیل نیز در این راستا است که ایران مورد بیشتری نخواهد. اسرائیل به نحوی امروز زبان تهدید غربی‌هاست و شاید آنچه که مثلا امریکا نمی‌خواهد بگوید، وظیفه گفتن آن را به اسرائیل واگذار کرده است. ایران یک سیاست پرابهام را در پیش گرفته است تا بتواند دست برتر را در مذاکرات داشته باشد. همین سیاست سبب شد تا بین وزیر خارجه ما و مقامات آمریکایی نیز یک جنگ لفظی غیرمستقیم شکل گیرد. ایران تلویحا گفته مجلهای برای آغاز مذاکرات ندارد و آمریکا نیز گفته که تاباد منتظر نمی‌ماند. باید توجه داشت که با وجود این فراز و نشیب‌ها، باید توانست نخست وزیر اسرائیل را متقاعد کند که مخالفت زیادی با برجام از خود نشان ندهد. همین اتفاق سبب شد تا نفتالی بنت نیز در یک عقب نشینی عنوان کند که اگر برجام منتج به کنترل ایران می‌شود با آن مخالف نیستند. آمریکا به نحوی به اسرائیل تفهیم کرده است که راهی جز برجام وجود ندارد و به همین علت نفتالی بنت نیز عقب نشینی کرده است. امروز بار دیگر اتهامات علیه ایران است به علت عدم بازدید از مرکز کرج و به علت اینکه به گفته و گوهای وین بازنمی گردد. این ابهامات در مسیری افتاده‌اند که ممکن است جوابدن را علیه ایران کند و ایران مشخصا باید این عرصه را مدیریت کند. نباید به شکلی حرکت کنیم که

سیدجلال ساداتیان در گفت و گو با «آرمان ملی»:

عربستان راه خود را از آمریکا جدا کرده است

- اسرائیل زبان غربی‌ها برای تهدید ایران شده است
- بهبود روابط ایران و عربستان زمان می‌برد
- اسرائیل می‌خواهد اروپا را علیه ایران تحریک کند

آرمان ملی- علیرضا پورحسین: مشخصا یکی از مهم‌ترین دیدارهای دیپلماتیک چند روز گذشته، رایزنی علی‌باقری کنی و انریکه مورا بود که برخی آن را پیش درآمدی برای آغاز دور هفتم مذاکرات وین قلمداد کردند. معاون سرویس اقدام اتحادیه اروپا که برای رایزنی درباره روابط دوجانبه، موضوعات منطقه‌ای از جمله تحولات در افغانستان و یمن و نیز مذاکرات برای لغو تحریم‌ها به تهران سفر کرده بود با معاون سیاسی وزارت خارجه دیدار و گفت‌وگو کرد. معاون سیاسی وزارت خارجه ایران در این ملاقات، با تاکید بر اینکه ایران همواره ثابت کرده که یک بازیگر مسئول در عرصه بین‌المللی است، تصریح کرد که هر طرف که مسئولیت‌پذیری بیشتری از خود نشان دهد، به میز مذاکره نزدیک‌تر است. معاون سیاسی وزارت امور خارجه با اشاره به این موضوع که تردید جدی در مورد ادامه واقعی آمریکا برای انجام تعهدات خود از برجام انتقاد کرد. همزمان نیز اسرائیل به نظر می‌رسد به نماینده‌گی از غربی‌ها لحنی تندتر در پیش گرفته و عنوان کرده است که آماده انجام هر اقدامی برای توقف برنامه هسته‌ای ایران است. نکته قابل توجه اما ضلع سوم فشارها در سال‌های اخیر علیه ایران یعنی عربستان است که رویه‌ای متفاوت در پیش گرفته و به نظر می‌رسد آنها توافق ایران و غرب را نهایی می‌دانند و به دنبال از سرگیری سریع تر روابط دیپلماتیک خود با ایران هستند. در راستای بررسی مجموعه این اتفاقات و موضع گیری‌ها، «آرمان ملی» گفت‌وگویی با سیدجلال ساداتیان، سفیر پیشین ایران در بریتانیا داشته است که در ادامه می‌خوانید.

تغییر رفتار دولت رئیسی درباره مذاکرات به‌دلیل درک واقعیت‌هاست

در آینده درباره برجام جدید مذاکره خواهد شد

تغییر تیم مذاکره‌کننده چالش ایجاد خواهد کرد

اسرائیل به نقش تخریبی در مذاکرات ادامه خواهد داد

تحولات خاورمیانه به مذاکرات گره خورده است

می‌توان نسبت به احیای برجام امیدوار بود

اسرائیل زبان غربی‌ها برای تهدید ایران شده است

بهبود روابط ایران و عربستان زمان می‌برد

اسرائیل می‌خواهد اروپا را علیه ایران تحریک کند

عربستان مدت‌هاست که حس کرده است که نمی‌تواند به صورت ۱۰۰ درصد به آمریکا اتکا کند و شواهد زیادی نیز در این خصوص به‌دست آورده است. پس از ترامپ شاهد بودیم که عملا آمریکا انتقادات خود را در قبال جنگ یمن آغاز کرد و از سوی دیگر سامانه‌های موشکی دفاعی خود را نیز از عربستان خارج کرد. بایدن از زمانی